نوشته : مولوی محمد هاشم «کامه وال»

تاریخ نشر : 03 اپریل 2016 م

بسم الله الرحمن الرحیم

تذکر مختصر درباره شخصیت
مرحوم الحاج دوکتور محمد سعید (سعید افغانی)

مولوی محمد سعید صاحب ، پسر ارشد جناب مولانا علامه عبدالمجید مشهور به خطیب مولوی صاحب (خطیب مسجد جامع شهر تیگری مرکز ولایت لغمان) که فعلا به شهر مهترلام شهرت یافته ، تعلیمات ابتدایی از نظم ونثر دری و مبادی فقه ، عبادات صرف ونحو و رساله های علم منطق را از والدامجد خود تحصیل کرده بودند .

درملیت پشتون، به شاخه عمرزائی از قبیله و قوم مشهور « صافی » پشتون انتساب داشتند ، تحصیلات رسمی را در مدرسه عالی دار العلوم عربی کابل به انجام رسانیدند .

بنده در « 1328 -1329 ه ش » که محصل مدرسه قضات عدلیه و بعدآ مدرس آن مدرسه بودم با شخص محترم مولوی صاحب آشنا ، دوست و هم مسلک گردیدم .

جناب شان بعد از فراغت درهمان مدرسه، در دارالعلوم عربی استاد مقرر شدند در آنوقت استاد شدن در مدرسه دارالعلوم جهت بدیهی عالم بودن شخص بشمار می رفت . استادان بزرگ مرحوم این مدرسه شخصیت های برازنده علمی جامع علوم منقول ومعقول بودند که نظیر ومثل آنها تاکنون در حجاب شد و ذوندرت است . فارغ التحصیل این مدرسه را « مولوی » می گفتند لهذا ؛ در مقدم اسم نامی دوکتور صاحب کلمه « مولوی » را نوشته ام .

بعدآ به حیث مدیر مدرسه دارالعلوم نجم المدارس ولایت ننگرهار که در قریب جوار مرقد مبارک علامه نجم الدین مشهور به« هده صاحب» شیخ طریقه قادریه در قریه هده در جنوب شهر جلال آباد (مرکز ولایت ننگرهار) موقعیت داشت مقرر گردیدند .

بعدآ تبدیلآ به حیث عضو مسلکی ریاست تدریسات ثانوی مرکز وزارت معارف مقررشدند در این مرحله در عین حال در لیسه عالی استقلال وظیفه تعلیمی نیز داشتند وبنده نیز به حیث معلم مضامین عربی و دینی درلیسه استقلال وظیفه داشتم . طبعآ درهنگام تفریح به ملاقات همدیگر و احیانآ مباحثه علمی کیفیت مسرت آمیز را حاصل می نمودیم .

مرحوم باردیگر به حیث مدیر مدرسه نجم المدارس مقرر گردیدند درهمین دوره ثانی چنان اتفاق افتاد که ماه مبارک رمضان رسید و پادشاه وقت در جلال آباد بودند ودر مسکن شاه باغ کوکب سرشته ختم قرآن کریم در اثنای نماز تراویح که در مذهب حنفی« رح »عبادت های مسنونه است گرفته شده بود.

بعضی ازعلما مشهورولایت ننگرهار دعوت شده ، درآن ختم اشتراک ورزیده بودند ، که مدیر صاحب نجم المدارس با چند نفر استادان مدرسه نیزدر آن ختم شرکت کرده بودند . در شب اخیر ختم طوریکه تعامل است، سخنرانی های اجتماعی و موعظه دینی ایراد میگردد .

دوکتور صاحب فرصت راغنیمت دانسته بحضور پادشاه آیه قران کریم را تلاوت ، ترجمه و تفسیر نمودند از اثر درد دل که با امور وطن و بهبود آن برای بهبود اهل وطن داشتند به جرئت حق گوئی ضمنا خطاب به پادشاه گفت :

اگر چه درقانون اساسی ذکر گردیده که پادشاه شخصآ واجب الا حترام و غیر مسوول اند ! آیا شما فرمانی را صادر کرده اید و از علما و خطبا خواهش کرده اید که به یادداشت کلمه بنده خدا

(ج) درخطبه بشما دوعا بکنند و بنده طبعآ شرعآ به نزد خالق رب العلمین مسئوولیت داشته می باشد بلکه در ذهنیت عامه کافه ملت و رعیت نیز مسئوولیتی دارید .

خواهش میکنم شخصآ نیز قبول زحمت فرموده به امور اداره عامه وطن توجه داشته باشید جلو خود سریهای بعضی مامورین بزرگ راگرفته باشید .

فردا آن مولوی صاحب را وزارت معارف خواسته و به حیث معلم مکتب ابتدائی در شهر کابل مقرر شدند . اما؛ مولوی صاحب به صبر و استقامت از این امر اطاعت کردند و کوشیدند تا شرایطی مهیا شود و برای تحصیلات عالی به پوهنتون ازهر در قاهره دولت جمهوری مصر اعزام شود که به مقتضی آیه کریمه (عسی ان تکر هوا شیا وهو خیر لکم) بالاخره این آرزو برآورده شد و به قاهره اعزام شدند .

در پوهنتون ازهر سوابق و اسناد تحصیلی علمی مولوی صاحب که عبارت از شهاد تنامه دارالعلوم عربی آن وقت کابل بود ، ملاحظه نمودند این شهاد تنامه بر اسمآ کتب از علوم و فنون عقلی و نقلی مشتمل قرار ذیل بود :

صنف پنجم :

1- شرح ملا عبد الرحمن « جامی » برمتن کافیه ابن حاجب در علم نحو.
2 - کنزاخیر از بیع تا فرایض - درعلم فقه - معاملات .
3- بدیع المیزان - رساله علم منطق ارسطو.
4 - رساله جذری « رح » درعلم تجوید .
5 - قصیده برده درعلم ادب و نعت آن حضرت (ص) .

صنف ششم :

1 - شافیه ابن حاجب در علم صرف و خط .
2 - قطبی علم منطق .
3 - نورلانوار علم اصول فقه .
4 - سبعه معلقه از ادب .
5 - شرح نخبته الفلر از اصول .

صنف هفتم :

1 - هدایه اول تا کتاب وقف ، از فقه شریف .
2 - حامی از وصول فقه .
3 - سلم العلوم ومیرزاهد قطبیه ، از علم منطق .
4 - مقامات حریری از ادب .

صنف هشتم :

1 - میبذی شرح هدایته الحکمت ، از فلسفه طبیعی و الهی .
2 - مختصر المعانی شرح تلخیص المفتاح از معانی وبیان و بدیع .
3 - تحریر اقلیدوس - هندسه .
4 - میرزاهد ملا جلال - منطق .

5 ـ جلالین شریف ـ تفسیر مختصر .
6 ـ دیوان متبنی ـ در ادب .

صنف نهم :

1 ـ هدایه اخیر از بیع تا و صا یا، فقه کامل معاملات .
2 ـ مشکوه شریف ـ علم حدیث .
3 ـ شرح عقاید نفی وعلم کلام و عقایدخیالی حاشیه آن .

صنف دهم :

1 ـ جامع صحیح ترمذی و جامع الداوود ـ علم حدیث .
2 ـ مطول تفتذ انی ـ معانی .
3 ـ حمد الله ـ شرح حصه تصدیقات سلم العلوم .
4 ـ تصریح الافلاک ـ علم ریاضی وهیت .

صنف یازدهم :

1 ـ قاضی مبارک ـ شرح حصه تصورات سلم العلوم .
2 ـ شرح چغمینی ـ علم ریاضی وهیت .
3 ـ صحیح مسلم شریف ـ علم حدیث .
4 ـ مدارک التنزیل ـ تفسیر .
5 ـ مسلم الثبوت ـ اصول فقه .
6 ـ تاریخ الخلفا از علامه جلال الدین سبوطی « رح » .

صنف دوازدهم :

1ـ بیمار ی ـ علم تفسیر .
2 ـ صحیح بخاری کامل ـ علم حدیث .
3 ـ تلویح و تو صیح ـ اصول فقه .
4 ـ میرزاهد برامورعامه ـ از شرح مواقف علم کلام وعقاید.

شاید بعضی از کتب را فراموش کرده باشم ؛ به هر حال به ملاحظه این سند عالی و مهم علمی طوریکه از زبان فصیح البیان مولوی صاحب شنیده ام ؛ هیت تدریسی و ممتحنه پوهنتون ازهر فرمودند که :

شما نصاب تعلیمی مرادف پوهنتون ازهررا تحصیل کرده اید . اما؛ ما امتحان می گیریم بعد از موفقیت در امتحان گفتند که :

محاوره و مذاکره به لسان عربی وارد نمی باشید ، شما را در صنف سوم فاکولته شرعیات پوهنتون ازهر بکمال رضایت و استحسان قبول داریم . بعد از آن موفق شد که درجه دوکتور را حاصل نمود .

مقصد فیض تحصیل نصاب تعلیمی دارالعلوم آن وقت برایش رسید . شاید با بعضی افراد دیگر از محصلین افغانی فارغ التحصیل دار العلوم کابل ، نیز این رویه در پوهنتون ازهر شده باشد .

در ستیز دوکتورای آن مرحوم کتاب (شیخ عبد الله الهروی الانصاری الافغانی) وارایه به عربی بعد از تتبع مطالعات که در اطراف شیخ الاسلام هرایتی نوشته بودند و لقب علمی « دوکتورا » را کسب کردند که از آن بعد به دوکتور سعید افغانی یاد می شد .

در عکس : محصلین افغانی پوهنتون الازهر جمهوری عربی مصر مورخ (روز شنبه 17سپتمبر سال 1966 در ترمینل میدان هوایی قاهره
قطار ایستاده ؛ ازراست به چپ : استاد شهید برهان الدین« ربانی» ، استاد جوهر « صدیقی » ،
استاد حبیب الرحمن « جدیر» ، مرحوم دکتور محمد سعید « سعید افغانی» ، استاد مرحوم وفی الله « سمیعی» ،
استاد حبیب الله« غالب» و داکتر سید جان « بیان .
قطار نشسته ؛ از چپ به راست : استاد عبد الحکیم خان، استاد نعمت الله « شهرانی» ، استاد محمد اکبر « ضیایی» ،
استاد عبد الرشید « ملاخیل » ، استاد مرحوم محمد صدیق « سیلانی» ،استاد داکتر احمد « خطیبی » ، استاد یاقوت ،
استاد محمد حبیب « سراج » واستاد عبد الجیلی « یوسفی »

******

هنوز به مصر تشریف نه برده در کابل در مدرسه دارالعلوم مدرس بود ند که در ان هنگام یکی از علما کشور مورخین ایران به کابل تشریف آورده بودند و به سعید نفیسی شهرت داشتند .
مولوی صاحب ازینکه نام شان سعید بو د خود را تخلص « سعید افغانی » اختیار کردند . من در یک ملاقات برایش گفتم : چه خوش است که اگر ایران سعید نفیسی دارند ؛ افغانستان سعید افغانی را بروز داد. به تبسم گفت : خداوند توفیق خدمت علمی بدهند که به مردم خویش خدمت کرده بتوانیم .
جناب شان باداشتن چنان سرمایه هنگفت علمی و ذوق مطالعه خصوصآ درباره افکار و تالیفات شیخ عبدالله الانصاری « رح » شکی نه مانده است که دست طولانی در معلومات عرفانی و تصوف

پیدا کردند و موجب وسعت افق نظر علمی گردیده و گاهی درضمن مقاله ها به تداوی درد های اهل وطن به تذکر از مطالب صوفیانه عالمانه و عاملانه می پرداخت .

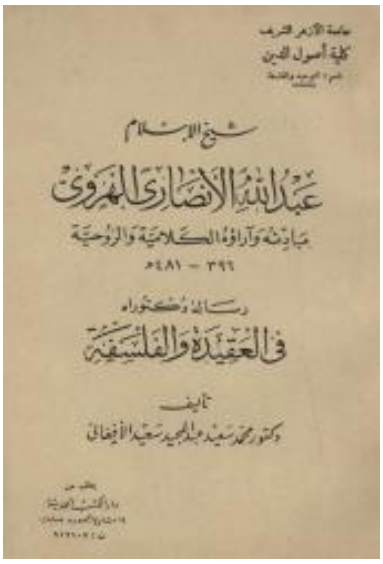

****

بعد ازعودت به وطن عزیز با وجود آنکه معقول و مناسب به صاحبان قدرت اداری وقت خصوصآ معارف و پوهنتون آن وقت بود که از دفاترعلمی دوکتور صاحب درفاکولته شرعیات استفاده میکردند اما ؛ به دارالمعلمین عالی مقرر شد .

جناب شان کتابی در سوانح علامه سید جمال الدین افغانی« رح » نیز تالیف کرده اند آقای سید مرحوم مایه افتخار علمی افغانی و پیشوای نصیحت آزادی بخش عالم شرق و اسلام بود. طبعآ قسمتی از خصائص نیک علمی او در مغز بیدار دوکتور صاحب جا گرفته بود و در خدمت قلمی علمی خود به ترتیبی و کیفی که میدانست و می پسندید نقش قدم علامه سید افغانی را تعقیب می کرد کسیکه می فهمید می فهمید ورنه ...

جناب دوکتور را در دوره جمهوریت محمد داود که دوکتور عبد المجید وزیر عدلیه و متصدی اداره قضا بودند و دوکتور صاحب را از سابقه داری زمان وزیر معارف بودنش معرفت داشت به عضو شورای عالی قضا مقرر کردند که درعین حال تنظیم اداره محکمه عالی محاکمه قضاه را به صداقت و امانت بدست داشت . واز توجه به حقایق و آثار عاطفه بشری که خاصیت طبیعی اش بود با متهمین قضایا صرف مطابق قانون معمول رفتار کرده می شد .

بنده « کامه وال » به حیث رئیس دیوان حقوق عامه در محکمه عالی استیناف مرکز ودر عین حال رئیس دیوان محکمه مرافعه مماثل تجارتی و استیناف مماثل جزائی نیز بودم .

روزی به معیت محترم محمد انور « واحدی» رئیس عمومی استیناف مرکز بمنظور تقدیم استهدا در یک موضوع حقوق عامه به شورای عالی قضا رفته بودم .

شورای عالی دایر شد ؛ ریاست آن را محترم دوکتور عبدالمجید وزیر عدلیه تنظیم می کرد .
اراکین شورای عالی حضور بهم رسانیده بودند ، بعضی از روسای دوائر قضا نیز حضور داشتند البته به اجازه وزیر صاحب می آمدند .
قبل از آنکه پیشنهاد یه موضوع حقوق عامه را تقدیم مجلس کنیم ، روی یک موضوع دیگر آغاز گردید ، رئیس ریاست محکمه ابتدائیه مامورین (عبدالله حاتم)استمدا کرده بود که یک نفر تحو یلدار مستخدم هوتل متهم بوده که بوتل الکهل دار را تلف نموده و څارنوال در دعوی خویش از او مطالبه جبران خساره الکل کرده والکل نظر به مقررات شرعی وفقهی ؛ قیمت ندارد، تملیک آن ممنوع است .
وزیر صاحب تمام مجلدات قانون مدنی را که تازه نافذ شده بود مطالبه کرد ولی ؛ از ملاحظه آن حل مطلب کرده نشد. یکنفر از اعضا مجلس که عضو اصلی شورای عالی نبود گفت :
مال دولت تلف شده متهم به جبران خساره محکوم شود .
دوکتور صاحب در برابر او گفت که : حکم شریعت و مذهب دارایی خساره دولت متروک العمل کرده نه می توانیم . روی این مباحثه صداهای جانبین بلند ترگردید آن یکی شیدآ ترصبغه طبعیت وزیر صاحب بود و دوکتور صاحب علاقه تحکم حکم مذهبی و شرعی داشت چه در ینصورت حکم جبران خساره خمر ضایع شده گویا بالای آن متهم فروخته شده تلقی می شد .
کتاب هدایه اخیر « ج 3 » راملاحظه کردند از الفاظ شرح هدایه تحت عنوان بیع فاسد « ص 45 » بکمال وضوح ثابت شد که نظر یه دوکتور صاحب موافق فقه حنفی « رح » بوده و به حکم قانون تعاملی در موضعیکه حکم قانون وضعی واضع نباشد از هدایت اصول کلی فقه اسلامی خصوصآ حنفی « رح » استفاده بعمل می آید محکمه به آن تمسک کند .
اما؛ نفر دیگر به حاشیه « 5 در ص 45 » نظر انداخته که درآن نوشته بود : خمر مال است مطلقآ عند البعض ای اهل الذ مته وخارج سطور حاشیه این ص 8 کلمه هم نوشته بود که (ای عند نا ایضا) حواله به رمز حرف کاف که کتاب کافیه از آن مراد باشد نوشته بود . باز هم دوکتور صاحب به عین الفاظ هدایه تمسک کرده گفته : اورا تردید می کرد اینجا یک رمز علمی است که در اصطلاحات رسم المفتی ذکر است مسایل متذکره درمتون وباز درشروح اهمیت قابل ترجیح بودن برای عملی شدن دارد ومسایل حواشی در در جه سوم است . یعنی دوکتور صاحب به این قاعده افتآ متوجه بود تغیرات در رنگ به دلالت خشم آلوده پیدا کرد .
جناب وزیر صاحب طرفداری نفر مستشار عندی خود را کرده به دوکتور صاحب گفت : بحث را خاتمه بدهید شما گذاره نه میکنید !
در این مرحله من گفتم که : محکمه در صدور حکم از مائعات الکلی هیچ تذکری را ندهد و بوتل هائیکه از شیشه بوده و مال دولت است ضیاع آنرا فقط مدنظر گرفته متهم را تعزیرا به جریمه

نقدی وقیمت بوتل ها محکوم کنند .

دوکتور صاحب بخود تکلفآ فرصت پیدا کرد و کتاب اشارات و منبهات تالیف شیخ ابوعلی سینا «رح » را به دری ترجمه کرد و به پوهنتون تاشکند تقدیم کرد و از آن پوهنتون مستحق جائزه ابن سینا شناخته شد که وسعت معلومات او را در فلسفه طبیعیات و الهیات به اثبات می رساند مدتی در عین حال سرپرستی و ریاست شورای علما و روحانیون را نیز وارسی میکردند.

استاد محمد سعید « سعید افغانی » در حین اهدای مدال طلا یی « جایزه بین المللی ابن سینا »

*****

بعدآ به توجه دولت ریاست شورای علما به تشکیل جداگانه مربوطه به ریاست شورای وزیران منظور گردید و دوکتور صاحب به حیث رئیس آن مقرر شدند و به ریاست شئون اسلامی مولوی عبدالولی «حجت» که یکی از شاگردان دوکتور صاحب اند، مقرر شد .

بالاخره دوکتور صاحب به مریضی دیابت قند مبتلا شده توان جسمی اش تعلیل می کردید با وجود مریضی و علالت مزاج ، کتاب (خط جنگ ذروی) بمناسبت دومین کنفرانس عمومی شورای علما و روحانیون تحریر واز طبع برآمد، توزیع شد ودر سال ۱۳۶۳(سیره مختصر حضرت محمد « ص») را بنامی آنحضرت (ص) تالیف نموده که درسالگرد میلاد النبی (ص) سال ۱۳۶۳ ه ش توزیع گردید. اخیرآ در حوت « ۱۳۶۳ » برای دوکتور صاحب مریضی قلبی نیز عاید گردید، در شفاخانه چهارصد بستر، اکبر خان مینه بستری شد . با وجود صرف مساعی جمیله دوکتوران موظف و توجه مقامات عالیه دولت متبوعه جمهوری دیموکراتیک افغانستان داعی اجل را لبیک گفته جان را به جان آفرین سپردند . (انا الله و انا الیه راجعون)

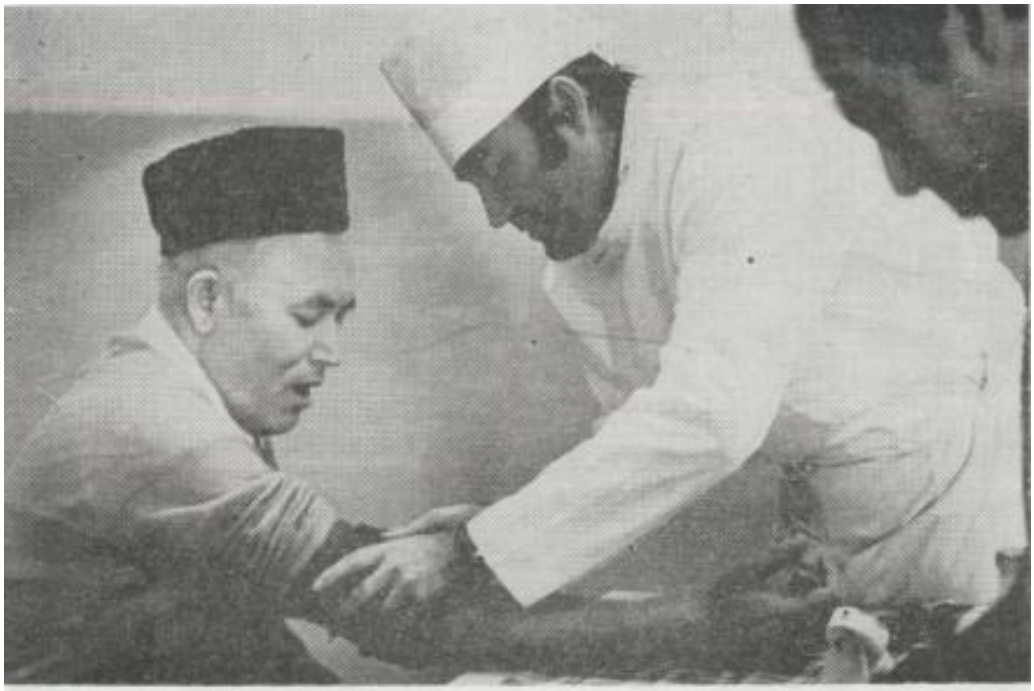

دوکتور سعید افغانی دناروغی به بستر کښی

مراسم تشبیع جنازه مرحومی با توجه مقامات صالحه دولت و صدر محترم هیئت رئیسه دولت بکمال اغزاز آغاز وانجام گردید. در مسجد جامع پل خشتی نماز جنازه اش ادا گردید و در جوار مرقد حضرت تمیم انصار رح در مقبره مشهور و عام شهر کابل بنام شهدأ صالحین تدفین شدند عده کثیری و جمع عقیری از اقارب واحبأ و علاقه مندان مرحوم و امران بزرگ دولتی و کارمندان رسمی حضور داشتند بالای مرقد مبارک او نخست جناب شیخ الفقرا افغانستان قاری الحاج محمدعمر خان امام مسجد جامع ارگ جمهوری سوره قرآن پاک را تلاوت نمودند .

بعدآ مولوی محمد سالم « علمی » به نماینده گی از جبهه ملی پدر وطن که جناب دوکتور صاحب یکی از معاونین ریاست جبهه ملی بودند بیانیه خود را ایراد کردند . باز مولوی عبدالولی « حجت » ریس شوون اسلامی در اطراف شخصیت علمی دوکتور صاحب خطا به ایراد فرمودند و وفات او را یک ضایعه علمی در حلقه روحانیون نه تنها در افغانستان بلکه در منطقه خواندند او را به داشتن افکار مترقی و استحکام رابطه دیانت و مدنیت وحب وطن و سعادت خواه اهل وطن مانند آیت الله مرحوم سید محمود تالقانی« ایرانی» تشخیص کردند و باز سوانح او خوانده شد.

در مسجد جامع شیرپور دو روز فاتحه خوانی تعزیت احترام آن مرحوم برگزار گردید که در روز دوم در هئیت قبول فاتحه به روح مبارک او معاون ریاست شورا مرکزی از جبهه ملی شاغلی بارق « شفیعی» ، آقای مولوی حجت به نماینده گی از شون اسلامی و معاونین شورا علما و روحانیون به نماینده گی از ریاست شورای علما و روحانیون و نیز فرزندان ارجمنداش از جمله پښتون سعیدی و نجم الدین ؛ محترم جنرال متقاعد عبدالقاهر خان مامایش و محترم مولوی نقیب الله سابق ریس محکمه ولایت بادغیس و برادران دیگرش اشتراک داشتند .

در روز دوم فاتحه حوت 63 بعد از اینکه مجلس فاتحه خوانی انجام یافت بنده « کامه وال » جرئت اخلاقی نمودم بپاس لطف دوکتور مرحوم که با من داشتند نسئات مخلصانه و صادقانه او را که در خدمتگذاری خصوصاً در امور دینی به اهل وطن عزیز داشتند و در صحن صحبت های علمی که گاه گاه از بسا اسرار دقیق در مسایل غابضه ازعلوم مختلفه اظهار اتی میکردند و به همین منظور خدمت در امور اجتماعی و دینی اینجانب به اثر جاذبه روحانی و فضیلت علمی خویش واداشت تا به صفت معاون اقلاً برای مدت یکسال همراه او در ریاست شورأی علما و روحانیون کار کردم ، لازم دانستم سخن چند مختصراً به حضار محترم بیان نمایم .

لهذا؛ به ذوات محترم بارق شفیعی صاحب و معاونان شورای علما و اعضاً مسلکی آن ، اقارب مرحومی خطاب نموده بعد از استیذان در حالیکه جمعیت بزرگی ازعلاقه مندان فاتحه کنند گان استاده بودند ، گفتم :

حضار محترم :

من جناب دوکتور صاحب ، مولانا سعید افغانی را عمیقاً معرفت داشتم ، دوکتور صاحب شخصیت جامع الکمالاتی بود و مردم جهان از سابق تا حال به دو دسته تقسیم شده اند : برخی از هدایات و نصائح حضرات انبیاء عظام پیروی میکنند و برخی دیگر از افکار طبقه فلاسفه .

از نگاه فلسفه انسان در آخرین مرحله تکاملی جسم طبعی موقعیت دارد . و در بد و آفرینش خود دارنده عقل در مرتبه هیولایی شده ، بعداً به تدریج به قوه مرتبه عقل عدم بالمللکه « تحصیل مجول به استفاده از علوم » می رسد و کسیکه به مرحله نهائی این مرتبه عقلی برسد او را صاحب قوه قدسیه می نامند ؛ که اکثر حقایق اشیا نیز در او معلوم و مشعر باالفعل می باشد.

دوکتور صاحب سعید افغانی : در نظر من صاحب قوه قدسیه بود او از نفس خویش بر آمده و گذشته بود . دائماً در فکر حصول سعادت و آرامی برای کافه بشر بود . الخصوص برای اهل اسلام واهل وطن محبوب خود ؛ که از تالیفات و آثار او چه در فلسفه ، چه در تصوف و چه در اجتماعیات به درجه وضوح ثابت است .

کتاب خطر جنگ وی را که تحریر کرده اسباب موجبه دو جنگ عمومی گذشته را درآن بیان واز خطر جنگ سوم که در آن حتماً سلاح ذروی مورد استفاده قرار خواهد گرفت، موجب تباهی نسل بشرمی گردد ، علاقه شدید او را به حفظ بشریت از این فاجعه بزرگ نشان میدهد .

خداوند « ج » به فضل و کرم خود عالم انسان را از آن نجات بدهد و از نگاه پیروی از اصول و فروغ دین مقدس اسلام و در احکـــام فروغ از مذهب حنیفی « رح » شخص به مقام رسیده به نظر می رسد که داری نفس مطمئنه شده بودند .

مومنی که داری نفس مطمئنه باشد او آغاز دوران زندگی مترقی دیگری اوست که بفضل و مرحمت باری تعالی واجب الوجود که اهل تصوف و عرفان از ذات اقدس و به کلمه روح الا ، روح فلسفه ، توحید به کلمه ، علت العلل تعبیـر کرده اند .

روح چنین مومن متوفی را لطفاً مخاطب می فرمایـند : « یا ایتها النفس المطمئنه ترجعی الی ربک راصیه فاد خلی فی عبادی وادخلی جنتی » . یعنی انسان موقنه یعنی انسان اگر چه مسلمان باشد گاهی دارنده نفس اماره (سرکش و طاغی) و گاهی دارنده نفس موقنـــه مقنعه می باشد و اصیان نشیـب وفراز تنازل و ترقی را دیده داری نفس لوامه می شود و آنانیکـــه منعوم به نعمت هدایت حقه ، حق تعالی کردند از حالت مطمعئنه روبه ترقی شده به مقام راصیه و مرصئه می رسند.

من بشما به عرض میرسانم چندی قبل در همین مسجد جامع شیرپور از طرف ریاست محترم شئوون اسلامی به بذل عاطفـــه مقامات صالحه دولت به علما و خطباً مساجد جامع یک ماهه معاش طبق معمول همه ساله توزیع شد . من هم دراین جمله بودم بعد از فراغت به دفتر دکتور صاحب ریاست شورای علماً و روحانیون به غرض ملاقات او رفتم :

حینکه مشرف شدم دو به دو بودیم من هم مریضی گرده ها وغیره داشتیم مدتی در شفاخانه علی آباد بستری شده بودم از من پرسان کردند که : صحت شما چطور است خوب هستید .

من گفتم : دوره تکلیف دهنده مریضی ام سپری شده آثار ضعف آن باقی است اما کیفیتی عارض حال من است که به مریضی ام شدت هم پیدا کند متاثر نمی شوم ازاینکه بیشتر توجه بنده را به سفر آخرت به میان می آورند و خداوند(ج) توفیق اظهار توبه میدهد ایـن زحمت مریضی به نعمت عرفانی برایم مبدل میگردد و از موت هیچ خوف در دلم وارد نه میگردد . چه صحابه بزرگ جلیل القدر دوعا می فرمودند : « الهم حبیب الموت الی من بعلم ان سید نا محمداًعبدک ورسولک بالحق » .

جناب دوکتور صاحب فرمودند که :

مدت دوهفته می گذرد که من وقتی بعد از نماز خفتن به بستر خواب می روم ، اگر چه بزبان حرفی نمیگویم، اما ؛ قلب و روح من خداوند « ج » را بیاد می آورد و خواهش سفر عقبی میکند . اما ؛ وقتی از طرف صبح برای وظیفه رسمی به دفتر می ایم ، به مجرد آنکه درین چوکی بنشینم و

کس در نزد من نباشد از بالای من نیز این سوال حسن خاتمه حیات این جهان فانی با افتخارات عقائد حقه و نور ایمان کامل برمی آید !! به هر حال ، به رحم و کرم خداوند « ج » امیدوار هستیم .

اینک مدت (15) روز پوره نگردید که دوکتور صاحب جان را به جان آفرین تسلیم نمودند ، شخصیتی بود دارنده عواطف و احساسات بشری خیر خواه و مردم دوست صلح وامنیت پسند، طرفدار سرسخت در مقاومت ودفاع از عقائد حقه اسلامی .

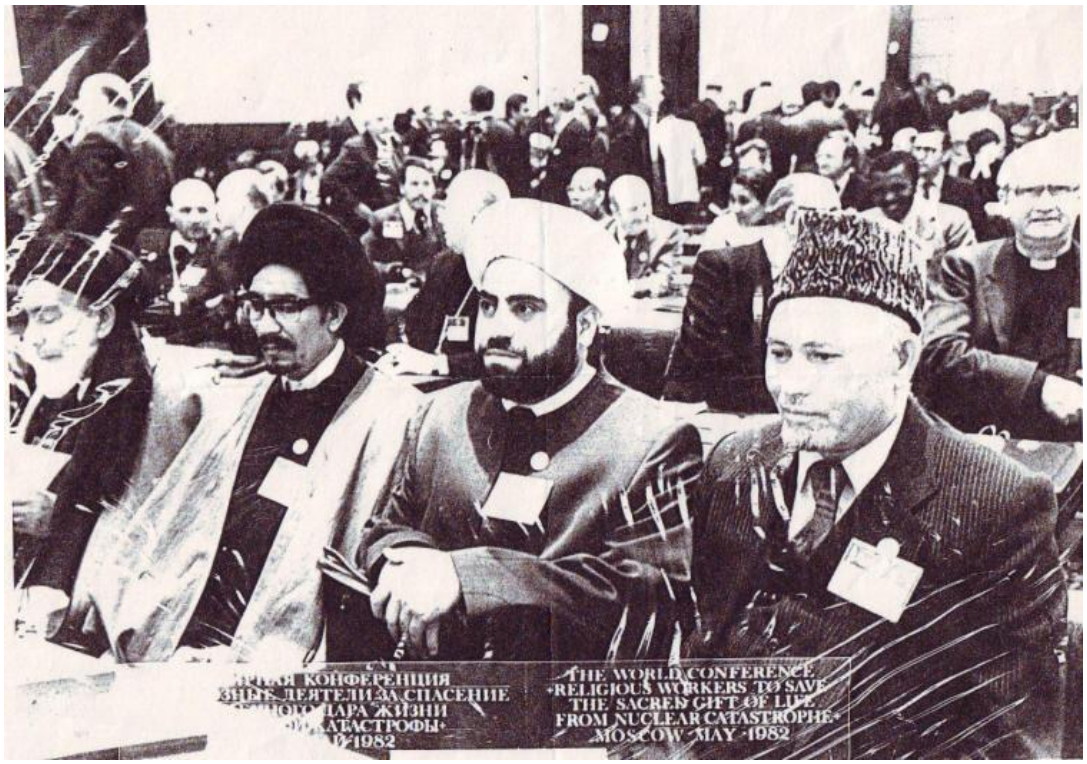

*****

چنانچه در موقعی که برای اخذ جایزه ابن سینا به تاشکند رفته بودند ، در یکی از جراید رسمی آن جمهوریت اسلامی در باره شخصیت او ارقام داشته بودند که : دکتور سعید افغانی داری احاطه وسیع علمی از اجتماعیات و اخلاقیات می باشد . طرفداری دیانت اسلامی و اقتصاد مترقی برای رفاهیت جامعه هستند ودر دفاع از حقایق و متعقدات اسلامی ، مقاومت سر سخت دارند .

در یکی از سفرها از نزداش پرسان کرده بودند که : به موجودیـــت متا فزیک (ماوراء لطبیعه) چه حاجت ضرورت است ؟

بمن « کامه وال » مکاتبه بیان نمود که : من در جواب آن شخص گفتم : به اینکار از ماوراء الطبیعه چه حاجت و کدام ضرورت است .

نفر مذکور در حالت بهت وحیرت ماند و گفت : من فکرمیکردم که جواب سوال من من دشوار است همچو تو عالم به من روشنی خواهد انداخت . اما؛ تو سوالی کردی که پاسخ آن برای من نیز بسیار مشکل و صعب است .

لهذا ؛ به عرض می رسانم که جناب دوکتور مولانا سعید افغانی ؛ به زنده گی نوبتی و مترقی آغاز کردند ، طوریکه حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی « رح » می فرماید:

از جمادی مردم و نامی شـــدم
مردم از نامی به حیوان سر زدم
مردم از حیوان و من ادم شدم
چون بترسم من زمردن کی کم شدم
باردیگر سر برارم از بشـــــر
تا برارم از ملائک بال و پـــــر
جستنی دیگر کنم من سوی جو
کل شئی ها لک الا و جـــــهه

جناب دوکتور صاحب آخرین تالیف خود را راجع به سیره حضرت سید نا محمد مصطفی (صلعم) تحریر کرده و از رویه اخلاقی و طرز اداره حیات نبوی « ص» به طور مختصر و جامع تفصیلاتی داده اند . ذوات طرف علاقه این وظایف اجتماعی را به آن نصائح گرانبها مورد التفات کردن آرزو کرده است که خاصیت حمیزه اورا یعنی مدنیت با دیانیت خواستن تمثیل و تبلیغ میکند . ما امید واریم به فیض و برکت پیروی از اخلاق عالی حضرت پیغمبر اسلام ، صحابه کرام ، تابعین ،عظام عرفاً اهل الله « ج » که به مرحوح دوکتور صاحب ذوق و صمیمیت داشتند خداوند روف و مهربان او را مورد غفران نموده ساکن بحبوحه جنان بگردا ند . « امین » .

در باره وفات او باید گفت: (د ډیره و پلاره ، ډیره تری پاتی یتیمان) یعنی : در اثر وفات حسرت ناک او همه علماً افاضل دینی و همه دانشمندان اهل قلم ، از اهل وطن، کسانیکه او را از نزدیک ملاقات کرده بودند از صدر محترم هیئت رئیسه دولت جمهوری افغانستان گرفته تا طبقه جوانان و خوردان متاثر و متاسف هستند و وفات شان ضیاع بزرگ روحانیت وطن محسوب خوانده اند و گفته اند .

باوجود آن من برای ارجمندانش ، اقارب وسایر اعضاً فامیل نجیب او ؛ صبر و حوصله ،استقامت و تسلیت و اطمینان قلب از رب المنـــان خواهانم به گفتن آیه مبارکه: « انا الله ونا الیه راجعیون » درد فراق ظاهری اورا تداوی کرده باشند و به مژده آنها یوتی الصا برون اجرهم بغیر حساب از بارگاه رب الا رباب متمنی باشند وبه نعمت اتفاق و داشتن رویه احترام بزرگان و شفقت بر خوردان درذات البین خودها مقدم باشند.

اونه مرده ! به حیات جاوید به زندگانی مترقی آغاز کردند ، طوریکه مولانا جلال الدین بلخی« رح » در جای دیگر فرموده اند:

بر امید راه بالا در قیـــام
پیروسنت خیـــر الانـــام

لب فروبندم از طعم شراب
سوی خوان آسمان دارم شتاب

دمبدم از آسمان می ایـدم
آب ونان رزق می افزایـــدم

ننگرم در عجزامیدم در طلب
تومرا بری پســس چه عجب

این طلب در من گروگان خداست
زآنکه هر طالب به مطلوبی سزاست

جهد کنم تا این طلب افزون شود
تا دلم زین چاه تن بیرون شـــود

خلق گوید مردان مسکیـــن فلان
من بگویـــــم زنده ام ای غافلان

گرتن من طاق وتنها خفته است
هست جنت بردلم بشگفته است

می زندجان در جهان آبگـــون
نعره یا نیـــت قومی یعلـمون

چون نخواهد زیست جان بی این بدن
پس فلک ایوان او چون خواهد شدن

گر نخواهد بی بدن جان تو زیســـت
فی السماً از قلم روزی کیســـــت

آن خدای خوب کارو برد بـــــــار
هـــــــدیه ها را میدهد درانتظار

ای مسلمان انتظار الا نتظـــــــار
از بـــــرای خوان بالا مرد وار

چون جناب دوکتور صاحب از علما با معرفت و علاقه مند عرفان بود، بشعار او نیز چنین گفتار روان قبول باید کرد.

مرغ باغ ملکوتیم درین دیر خراب

می شـــــود نور تجلی اخدا دانه ها

با احد در لحد سنگ بگویم ای دوست

آشنای توام وغیره تو بیگانه مـــــــا

گر نکیراید و پرسد بگو که رب تو کیست

گویم آن ذات که ربوده است دل دیوان ما

شکر الله که نمردیم ورسیدیم به دوست

آفرین باد برین همـــــت مردانه ما

در آخر دوعا قرآنی میکنم : « ربنا اغفرلنا ولا خواننا لذین سبقونا با یمان وتجعل فی قلوبنا غیرالذین آمنو ربنا انک روف الرحیم ربنا آتنا فی الدنیا حسنة و فی الاخره حسنه و قنا عذا بالنار الهم اعفر و ارحمه واسبق شراه واجعل الجنه مسواه » .

آمین یارب العالمین .

مولوی محمد هاشم « کامه وال »

یادداشت :

تایپ مجدد ، ترتیب و تنظیم کننده : برهان الدین « سعیدی » :

به مناسبت سی ویکنیم «۳۱ » سالگرد وفات مولانا داکتر محمد سعید « سعید افغانی » .

۲۶ فبروری ۲۰۱۶ م ـ المان

www.said-afghani.org ـ بارگشت به صفحه اصلی